

آثار تاریخی ساسانیان در آذربایجان

در اواخر خرداد ماه ۱۳۵۲، بنا به ضرورتی می‌خواستم دربارهٔ ساسانیان، مقاله‌ای به رشتهٔ تحریر درآورم، قریب پنجاه کتاب و رساله و مقاله که هر کدام مناسبتی با تاریخ و حیات ساسانیان داشت، گرد آوردم و تصمیم گرفتم در گوشه‌ای از منزل بنشینم و با استفاده از آنها مقاله‌ای جمع و جور کنم، اما چون به مطالعه آغاز نمودم، تصور خود را باطل و بی‌فایده یافتم، چه، ملاحظه کردم در خصوص تمام موضوعات کلی، اعم از تاریخ، مذهب، سنن، آداب، علوم و دیگر شئون زندگی دوران ساسانی، تحقیقات ارزنده‌ای به‌عمل آمده و هیچ عنوانی جالب برای من باقی نمانده است، ناچار پیش خود اندیشیدم که پای از حد خود فراتر نهم و در آذربایجان - که دربارهٔ اینبه و آثار تاریخی آن از سالها پیش مشغول مطالعه و گردآوری مطلب هستم - دنبال

-
۱. برای نمونه نگاه به: ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستنسن، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۳۲ ه. ش.
 - تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، دکتر محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۴۷ ه. ش.
 - تاریخ ایران قدیم، حسن پیرنیا، تهران ۱۳۰۹ ه. ش.
 - تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، برتولد اشپولر B. Spuler، ترجمه دکتر جواد فلاطوری، تهران ۱۳۴۹ ه. ش.
 - تاریخ مختصر ایران، پاول هرن Paul Horn، ترجمه دکتر رضا زاده شفق، تهران ۱۳۴۹ ه. ش.
 - تحقیقاتی دربارهٔ ساسانیان، کنستانتین اینوسترانتسوف K. Inostrantsev، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران ۱۳۵۱ ه. ش.
 - تمدن ایران ساسانی، ولادیمیر گک V. G. Lukonin، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران ۱۳۵۰ ه. ش.
 - میراث ایران، ریچارد ب. فرای R. N. Fryc، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران ۱۳۴۴ ه. ش.

آثار ساسانیان بگردم. قرار گرفتن نام آذربایجان در پیش کلمه ساسانیان، بالطبع نام زرتشت، آتشکده آذرگشنسب، مسافرت‌های مکرر شاهان ساسانی بدان سامان، اوج و حضیض قدرت آنان، طلوع وافول ستاره اقبالشان، ظهور اسلام، گرویدن ایرانیان به آئین مقدس محمدی (س) و جنگ‌های صدر اسلام را در پی داشت، و بی اختیار مرا به یاد قلاع و دژها و دربندهای متعددی انداخت که در اواخر سلطنت ساسانیان در آذربایجان وجود داشتند^۱ و در هر یک از آنها حکمران و مرزبانی فرمان می‌راند که با جگزار و فرمانبردار شاهنشاهان ساسانی بود.

بی درنگ، دست به دست تاریخ دادم، و در عالم خیال، همراه با حوادث و وقایع تاریخی، کوهپایه‌ها، کمره‌ها، دربندها و دژهای باستانی واقع در بین تبریز و ارس را زیر پا نهادم، حتی چشم جلوتر رفت و تا «باب‌الابواب» یعنی نخستین دروازه شمالی ایران باستان - آنجا که مرزبان بزرگ ساسانی، اجازه جلوس بر کرسی زرین داشت^۲ - راه کشید. دیگر موضوع مقاله و کار معین شده بود؛ جستجو و بازدید دژهای تاریخی دوره ساسانی در آذربایجان. این عبارت طبعاً سؤالی را در بر داشت، آیا در آذربایجان غیر از دژهای دوره ساسانی که عده‌ای از آنها تا زمان صفویه، حتی بعد از آن نیز مورد استفاده بودند، نشانه‌ای از دژهای دیگر هم وجود دارد یا نه؟

پاسخ روشن بود، بلی. کول تپه‌ها یا قره تپه‌های گرگر، هرزند، باروج، مرند، طسوج، خسروشاه، اسکو، شیرامین، عجب شیر، حسنلو، گوی تپه، هفتوان، میانه، سراب و دهها نظایر آنها، قلعه‌های فرو کوفته - شده‌ای هستند که نشانه‌ها و حکایت‌هایی از حوادث تاریخی روزگاران اورارتو، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و قرون اولیه اسلامی را در بر دارند.

در برشهایی که در نتیجه حوادث گوناگون، در پاره‌ای از این تپه‌ها به عمل آمده‌است، طبقات مختلف سنگ و خاک و خاکستر، و همچنین خمره‌های مقبره‌ای، ابزار سنگی، ظروف سفالین، اشیاء فرغی، و احیاناً سکه‌های

۱. رک به: ترجمه تاریخ طبری، ابوعلی بلعمی ص ۳۳۵، تهران ۱۳۳۷ ه. ش؛ فتوح البلدان، احمد بن یحیی بن جابر بغدادی (بلاذری) ص ۳۳۳-۳۳۹، قاهره ۱۳۱۹ ه. ق.

۲. تاریخ مختصر الدول، ابن عسری، ترجمه دکتر محمد جواد مشکور، ص ۴۰ و ۴۱، تهران ۱۳۲۶ ه. ش.

به دست آمده ، دورانهای مختلف حیات ساکنین این دژها را مشخص می سازد ۱ . تاریخ نیز ما را در شناخت این قلعه ها یاری می کند . مثلاً از گزارش سارکن دوم - که در ۷۱۴ قبل از میلاد ، برای تصرف سرزمینهای اورارتو به آذربایجان لشکر کشیده - بر می آید که سپاهیان وی ، تنها در بین پسوه و اوشکایا ، یعنی اسکویه امروزی ، یکصد و پانزده قلعه و روستا را به آتش کشیده و فرو کوفته اند ۲ . نظایر این حوادث در طول تاریخ آذربایجان مکرر در مکرر ، اتفاق افتاده است . ۳

باری ، درباره ای از این تپه ها که معروف و شناخته شده اند ، مانند قره تپه خسرو شاه ، گوی تپه رضائیه ، تپه هفتون شاپور و تپه حسنلو ، کاوش ها و حفاریهای مفصل و پرتیرمی به عمل آمده و اطلاعات ارزنده ای در اختیار علاقه مندان به آثار باستانی ، قرار گرفته است ۴ ، اما عده کثیر دیگری ، با وجود اقدامات و توصیه های مؤکد سازمان حفاظت آثار باستانی ، هنوز در معرض کاوش شبانه ، دستبرد بی رحمانه برخی روستائیان جاهل و خرداران دوره گرد طماع قرار دارد و اشیاء مکشوفه آنها به دست این جماعت ، به انحاء مختلف ضایع میشود و چه بسا اطلاعات تاریخی مفیدی نیز ، با سر به نیست شدن این اشیاء از بین می رود .

اما دژهای منسوب به دوره ساسانی که بقایائی از آنها ، در آذربایجان مانده است ، سه قسمتند : عده ای از این دژها شناخته شده و معروفند ، مانند قلعه ضحاک ۵ ، قلعه جمهوری بندر و قلعه گنزک باشیز یا تخت سلیمان ۶ ؛ که این قلعه ها

۱. برای نمونه ، تپه باروج مرند و تپه خاکستر یا کسول تپه گرگی را

می توان نام برد .

۲. رک به : تاریخ ماد ، دیبا کونفا ، ترجمه کریم کشاورز ، ص ۲۷۰ و ۲۷۱ .

تهران ۱۳۴۵ ه . ش .

۳. رک به : تاریخ تبریز ، ولادیمیر مینورسکی ، ترجمه عبدالعلی کارنگ ،

تبریز ۱۳۳۷ ه . ش .

۴. رک به : راهنمای آثار تاریخی کاوشهای علمی در تپه حسنلو - تخت

سلیمان - قره تپه ، اسماعیل دیباج ، تبریز ۱۳۳۹ ه . ش ؛ بررسی و تحقیق درباره شاهپور آذربایجان ، دکتر حبیب زاهدی ، ص ۱۷ ، تبریز ۱۳۵۰ ه . ش .

۵. رک به : قلعه ضحاک در آذربایجان شرقی ، محمد تقی مصطفوی (از یادنامه مینورسکی) ، تهران ۱۳۴۸ ه . ش .

۶. رک به : قلعه جمهور «دژ بند» ، کامبخش فرد (مقاله) هندرج در شماره

۵۰ ، مجله هنر و مردم ، ۱۳۴۵ ه . ش .

۷. رک به : راهنمای آثار تاریخی آذربایجان ، اسماعیل دیباج ، ص ۱۲۶ -

۱۳۲ ، تبریز ۱۳۴۳ ه . ش .

به وسیله چند تن از باستانشناسان و محققان معاصر، در مجلات « هنر و مردم »، « باستانشناسی و هنر ایران »، و با ضمن کتب و رسائل مستقل^۱ معرفی گردیده‌اند. عده‌ای دیگر فقط نامشان ضمن حوادث تاریخی در کتب تاریخ و سیر، و عمالک و ممالک نخستین قرنه‌های اسلامی ذکر گردیده است، نظیر قلعه برزند^۲، فراز-رود^۳ و استپانوس^۴؛ و عده زیاد دیگر نیز هستند که نه نامی از آنها در تاریخ آمده و نه اشارتی در نوشته‌های معاصران بدانها رفته است؛ درست آتش کاروان را می‌مانند که در کمره یا بالای کوهی به‌جا مانده باشد و حکایت از گذشت زمان و حیات گذشتگان نمایند.

جستجو و بازدید این همه دژ، کار یکی دو روز و یک فرد تنها نبود. خوشبختانه من از سالها پیش با بر خور داری از عنایت پروردگار و همراهی دوستان، قسمت مهمی از آذربایجان را گشته و پارسان پارسان، ابنیه و آثار ناشناخته فراوانی را پیدا کرده بودم؛ برای اعمال نیز از این عوہبت بی‌نصیب نبودم، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران - مرکز تبریز، وسیله و همراهانی در اختیار نگارنده گذاشته بود که با استفاده از فرصت تابستان، از عده‌ای از آثار باستانی ارزنده آذربایجان فیلم‌های مستندی تهیه کنیم. از سوی دیگر، از جانب آثار ملی موظف بودم نتیجه این گشت و گذار، و مطالعات و مشاهدات را، در جلد سوم کتاب آثار باستانی آذربایجان به عرض علاقه‌مندان به فرهنگ ایران باستان برسانم. بر نامه‌ای ترتیب دادیم و به شیوه سالهای پیش، هفته‌ها، کوه‌ها و صحراها و قصبات و روستاها را زیر پا نهادیم، از دژهای متعدد، من جمله: گوور قلعه‌سی تبریز^۵، دژ نو دوز^۶، قلعه مشکین و صخره کتیبه‌دار

۱. تخت سلیمان، علی اکبر سر فر از و محمد یوسف کیانی، تبریز ۱۳۴۷ ه. ش.

۲. رک به: تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۳۷، بیروت، ۱۹۶۷ م.

۳. رک به: فتوح البلدان، بلاذری، ص ۳۳۷، قاهره ۱۳۱۹ ه. ق.

۴. رک به: تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۴۴، همان طبع.

۵. واقع در شش کیلومتری شمال تبریز، ساحل آجی‌چای.

۶. ظاهراً نام این قلعه که در مرز شهرستان اهر و مشکین شهر واقع شده

است، «نودز» بوده است.

نزدیک آن ۱، قلعه سیاه یا قره قلعه ۲، قلعه تینق ۳، قیز قلعه سی گرمی ۴، قلعه بدکلپیر ۵، قلعه دختر میانه ۶، قلعه برازلو ۷، قیزلار قلعه سی مراغه ۸، قلعه ضحاک ۹، تخت سلیمان و تخت بلقیس ۱۰، دیدن نمودیم.

همراهان از چند قلعه قیام تهیه کردند، من ضمن یادداشت مشاهدات خود، از قسمتهای مختلف عدهای از آنها عکس یا اسلاید گرفتم، یکی از دوستان هنرمند نیز بنا به پیشنهاد نگارنده، طرح نقشه‌ای از چند دژ تهیه نمود.

تعریف و توصیف همه چیزهایی که در این مسافرت پرخطر و توان فرسا، دیده و شنیده‌ام، از حوصله این مقاله خارج است. تنها در مدت يك ساعت و نیمی که در خدمت آقای پروفیسور نومان ۱۱ رئیس برنامه حفاری علمی تخت سلیمان، در وسط تالارهای مختلف کاخ و آتشکده آذر کسب مشغول گشت و تماشا بودم، با يك دنیا مطلب و واقعیت رو به رو شدم. دریافتم که ایرانی عهد

۱. این سنگنبشته به خط وزیران پهلوی است و در شماره ۶۱ و ۶۲ مجله «هنر و مردم» ص ۶-۹، سال ۱۳۴۶ ه. ش. از طرف آقای کامیانش فرد معرفی شده است.
۲. قره قلعه در سر راه قلعه تینق، کنار جاده روستای «کجه» از شهرستان مشکین شهر واقع شده است.
۳. تینق قلعه بسیار بلندی است در ۱۰ کیلومتری روستای تینق، باراهی صعب، از شهرستان مشکین شهر.
۴. این قلعه در نزدیکی روستای «انجیر او» از دهستان خوروسلوی بخش گرمی بنا گردیده است.
۵. رگ به، پاورقی صفحه ۸۶، مطالعات وزنی.
۶. رگ به، راهنمای آثار تاریخی آذربایجان، اسماعیل دیباج، ص ۵۰.
۷. تیریز ۱۳۴۳ ه. ش. درسی و چهار کیلومتری شمال خاوری شهرک عجب شیر و ده کیلومتری روستای ینکجه، از دهستان دیزج رود.
۸. قیزلار قلعه سی واقع در بین نازه کند و قره ناز از حومه مراغه، در چهار کیلومتری ورجوی.
۹. رگ به: پاورقی صفحه ۸۶.
۱۰. قلعه‌ای است در شرق تخت سلیمان، بر روی کوهی بسیار بلند با راهی سخت. این قلعه حضاری دارد که با قطعه سنگهای طبیعی ساخته شده و آتاری از آن هنوز باقی است، ولی در درون قلعه بنا و ساختمانی به جا نمانده است.
۱۱. پروفیسور رودلف نومان Prof. Rudolf Naumann

ساسانیان با چه موازین علمی دقیق آشنا بوده و با چه قدرتی طرح این بنای باشکوه اعجاب انگیز را فرو ریخته‌است ، معلوم شد که طاق ورواق و گنبد های با عظمتی را که در جهان امروز ، سمبل معماری اسلامی محسوب می‌شود ، کدام منبع فرهنگی نیرومند به جهان هنر عرضه کرده است ، و برایم روشن شد که وجود عظمت تمدن باستانی ایران يك حقیقت مسلم بود ، نه افسانه‌ای ناشی از حس خودخواهی يك عده میهن پرست افراطی .

حفارهای چهارده ساله‌ای که در این قلعه به عمل آمده ، تعریفات افسانه‌ای مسعربن المهلهل^۱ و یاقوت حموی^۲ را جامه واقعت پوشانده است . مشاهده و مطالعه من در همه این سفرها ، درست مثل تطبیق چند نسخه دستنویس يك کتاب تاریخ بود ، و من با دقت تمام ، در همه جا نوشته پیشینیان را با وضع موجود مقایسه می‌کردم ، الحق اغلب مورخان و جغرافی نگاران قرون اولیه اسلامی را مردانی امین و با احتیاط یافتم^۳ .

توصیف خصوصیات چارطاق آتش جاویدان ، تالار آتشکده بزرگ ، آتشگاه اختصاصی شاهنشاه ، هشت طاق متصل به آتشکده^۴ ، گنبد سنگی هدایا و جواهرات سلطنتی ، تالارهای غذاخوری ، استراحت ، پذیرایی ، بارعام ؛ و دهلیزهای باریک و تاریک تودرتوی متعدد اطراف تالارها ، با محل مشخص پاسداران و نگهبانان آنها^۵ ، و سایر عمارات درون قلعه ، کاری است بس دشوار و مستلزم وقت و امکان بسیار ، که اکنون برای ما میسر و مقدور نیست . اما از ذکر يك نکته ناگزیرم ، کسانی که می‌خواهند خدا پناهمکها و یا شاهنامه فردوسی را نیک بفهمند و آنها را خوب تفسیر و توجیه کنند باید ولو برای يك بار هم باشد ،

۱. ريك به ، الرسالة الثانية ص ۲ و ۳ قاهره ۱۹۵۵ و ترجمه آن «سفرنامه ابودلف» ص ۳۸-۴۰ ، استفاد از د نظری به تاریخ آذربایجان ، دکتر محمد جواد مشکور ، تهران ۱۳۴۹ ه . ش .

۲. معجم البلدان ، یاقوت حموی ، ج ۳ ، ص ۳۸۳ ، بیروت ۱۹۵۷ م .
 ۳. مانند : مسعودی ، طبری ، بلاذری و ابودلف مسعربن المهلهل .
 ۴. بنا به اظهار آقای پروفیسور نومان ، این هشت طاق درست از لحاظ طرح و اندازه ، قرینه و نظیر مسجد جامع رضائیه است و بعید نیست که در یک زمان و بایک نقشه ساخته شده باشند .

۵. درباره شیوه این نوع معماری و عنایت به شرایط و وسایل حفظ وصیانت شاه ، ريك به : «تاریخ ایران» سریر سی سایکس ، ج ۱ ، ص ۶۵۶-۶۵۷ ، تهران ۱۳۲۳ ه . ش .

قلعه گنزک و آتشکده آذرکشنسب و دریاچه زاینده^۱ درون دژ را که مظهری از عنایت آناهیت محسوب می شده، ببینند، و کسانی که می خواهند بر اهمیت کیفیت فنون رزمی روزگاران پیشین، مخصوصاً دوران ساسانی، از تیراندازی و سنگ پرانی، و صخره غلطانی و قلعه ستانی^۲ مطلع شوند باید دست کم یکبار از چند دژ کهن آذربایجان دیدن کنند.

باری، تعریف يك يك قلاع متعددی که از آنها نام بردم مستلزم حال و مجال مفصل است و ناگزیر در این جا به طور اجمال، به چند فقره از خصوصیات مشترک آنها اشارت می کنم:

۱. تمام این قلعه ها در بالای کوه و درجائی ساخته شده اند که دو یا سه طرف آنها پرتگاه و دارای دیوار طبیعی و يك یا دو طرف دیگر آنها دارای دیوار و برجهای بلند سنگی است، که بر روی شیبی تند نهاده شده اند، و غالباً این شیبها منتهی به دره ای می شوند که رودخانه پرآبی در آن جریان دارد و دروازه قلعه در کنار یکی از برجهای نگهدارنده تعبیه گردیده است.

۲. همه این قلعه ها، يك آبدان در داخل، و یکی دو مخزن آب در بیرون دارند، این مخازن در پاره ای از قلاع، طبیعی و در عده ای چون تبنق و بنمضوعی و به صورت آب انبارند.

۳. اطاقهای که در درون قلاع وجود دارند، عده ای مانند اطاقهای قلعه ضحاک و قلعه بد از روی طرح و نقشه درست، با مصالح ساختمانی معمولی، بنا گردیده اند و عده ای مانند پناهگاههای تبنق و بر ازلو، غارهای طبیعی اند که دستکاری اندکی در آنها به عمل آمده است.

اطاقهای غار گونه تبنق متعدد ولی کوچکند، اما غار درون قلعه بر ازلو دو طبقه و هر طبقه دارای دو مدخل است، غاری است بزرگ که سیصد یا چهارصد مرد جنگی می توانند در آنجا بیاسایند.

چشمه صاف گوارائی نیز از درون یکی از غارهای طبقه پائین می جوشد

۱. رگ به: راهنمای آثار تاریخی تخت سلیمان، ص ۲۵ و ۲۶، اسماعیل دیباج، تبریز ۱۳۳۹ ه. ش.

۲. رگ به: تاریخ ایران، سرپرسی سایکس، ص ۶۳۹-۶۴۰، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۱، تهران ۱۳۲۳ ش؛ تاریخ عرب، اسلام، سید امیر علی، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ص ۲۸۷ و ۴۲۹، تهران ۱۳۲۰ ه. ش؛ تحقیقات در باره ساسانیان، کنستانتین اینوسترانتسف، ترجمه کاظم کاظم زاده، ص ۶۳ و ۷۲، تهران ۱۳۵۱ ه. ش.

که می‌تواند آب مورد نیاز ساکنان قلعه را تأمین کند. رودخانهٔ پرآبی هم در درهٔ پائین قلعه جریان دارد. این رودخانه، به مناسبت عبور از پای قلعه، رودخانهٔ برآزلو نامیده می‌شود، و منطقهٔ وسیعی را - از پای کوهی که قلعه بر فراز آن قرار گرفته تا ساحل شرقی دریاچهٔ رضائیه - سیراب می‌کند.

بلاذری^۱، ابن‌الفرقیه^۲ و یاقوت^۳ نام سابق این منطقه - یعنی شهرستان مراغه - را، «افراه‌روذ»، «افراروذ»، «فراروذ» و «فرازروذ» ذکر کرده‌اند. بعید نیست کلمهٔ «برآزلو» محرّف کلمهٔ پهلوی «فرازروذ» باشد.

این معنی ما را به يك نكتهٔ دیگر نیز متوجه می‌سازد، و آن، این‌که یادگارهای دورهٔ ساسانیان در آذربایجان، تنها دژها^۴ سنگهای منقوش و منقور و اشیاء زیرخاکی نیستند، بلکه نامها، سنن و معتقداتی نیز هستند که کلید و پاسخگوی بسیاری از مجهولات و سؤالات تاریخی می‌باشند. البته سخن گفتنی، بسیار است، اما شرط ایجاز ایجاب می‌کند که با طرح يك سؤال و عرض پاسخ آن، گفتار خود را خاتمه دهیم.

شاید کسی پرسد که ما به چه دلیل حدس می‌زنیم که این دژها متعلق به دورهٔ ساسانیان هستند؟ باید عرض شود به سه دلیل:

۱. گواهی تاریخ که ثابت می‌کند، در نیمهٔ اول قرن نخست اسلامی، عده‌ای از این دژها وجود داشتند و مرکز و مقرّ زبانان و فرمانروایان محلی بودند.

۲. اشیاء زیرخاکی متعلق به دورهٔ های ساسانی و پیش از آنها که در ضمن حفاریهای مجاز و غیرمجاز، از آنها به دست آمده است.

۳. سبک و خصوصیات مشترک دژها که نشان می‌دهد، همهٔ آنها در زمانهای نزدیک به هم، یا به عبارت بهتر، بانیاژ و اندیشه و مهارت يك زمان به وجود آمده‌اند. البته در قرون مختلفهٔ اسلامی نیز مسوود استفاده بوده‌اند و تعمیرات و تغییراتی هم به اقتضای زمان در آنها به عمل آمده است.

۱. فتوح البلدان ص ۳۳۷، قاهره ۱۳۱۹ هـ. ق.

۲. رك به: ابنیه و آثار تاریخی مراغه، و مینودسکی، ترجمهٔ عبدالعلی

کارنگ، ص ۳، تبریز ۱۳۵۰ هـ. ش.

۳. معجم البلدان، ج ۵، ص ۹۳، بیروت ۱۹۵۷ م.